

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دهم - دی ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۶

بررسی سبکی و تحلیلی آرایه «حس آمیزی» در اشعار پروین اعتصامی

(ص ۷۹-۱۰۱)

فاطمه اعظم السادات مدیرزاده طهرانی^۲، شهین اوجاق علی زاده^۳ (نویسنده

مسئول)، فاطمه امامی^۴

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: اسفند ۹۸

چکیده

درک و شناخت پدیده‌های هستی با حواس پنجگانه امکان‌پذیر است و هر یک از پدیده‌ها با یکی از حواس قابل درک است. شاعر در جهت القای بهتر ذهنیات خود به مخاطب از آرایه حس‌آمیزی استفاده مینماید که در آن مرزهای حواس در هم می‌شکند به صورتی که دیدنیها شنیدنی، شنیدنیها بویایی و بویاییها بساوی می‌شوند. حس‌آمیزی از شگردهای بلاغی است که به ادای مفاهیم خیالی در شعر شاعر با در هم نوردیدن مرز حواس گوناگون کمک شایانی میکند. در این مقاله که به شیوه توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای نگارش شده است، به بررسی موارد گوناگون حس‌آمیزی در اشعار پروین اعتصامی پرداخته و هر کدام را به ترتیب بسامد و تلفیق حواس دسته‌بندی شده است. نتایج تحقیق نشان میدهد که بسامد استفاده از حس‌آمیزی از نوع انتزاعی به حسی در اشعار پروین اعتصامی، بیشتر از بسامد استفاده از حس‌آمیزی از نوع حسی به حسی است و بویایی در اشعار وی کمترین بسامد و بینایی بیشترین بسامد استفاده را در ساخت ترکیبات حس‌آمیز داشته است.

واژه‌های کلیدی: پروین اعتصامی، دیوان اشعار، حس‌آمیزی، بسامد حواس، مفاهیم انتزاعی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (St.f_tehrani@riau.ac.ir)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (alizade@riau.ac.ir)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (emami@riau.ac.ir)

A Stylistic and Analytical Study of 'Sensitive' Views in Parvin Etesami's Poems

Fatemeh A'zam Sadat Modareszadeh Tehrani^۱, Shahin Oujaq
Alizadeh^۲ (Corresponding Author), Fatemeh Emami^۳

Abstract

It is possible to understand the phenomena of the universe with the five senses, and each of the phenomena is understandable with one of the senses. The poet uses a sensory array to better inspire the audience, where the boundaries of the senses intersect in such a way that audiences are audible, audible and olfactory. Sensory is a rhetorical technique that helps to express the imaginary concepts in the poet's poetry by crossing the boundaries of different senses. In this descriptive, analytical and library-based essay, we examine various sensitivities in Parvin Etesami's poems. And each is arranged in order of magnitude and the combination of senses is categorized. The results show that the frequency of use of sensory abstraction sensory in Parvin Etesami's poems is more than the frequency of sensory-sensory type, and the odor in his poems has the least frequency and visual frequency in the use of sensory compositions. Is.

Keywords: Parvin Etesami, Divan of Poems, Sensibility, Frequency of Senses, Abstract Concepts

^۱ - PhD Student in Persian Language and Literature, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran
(St.f_tehrani@riau.ac.ir)

^۲ - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran (alizade@riau.ac.ir)

^۳ - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran (emami@riau.ac.ir)

۱-۱- بیان مساله

شاعر برای سرودن شعر خود به عنصر معنوی خیال نیازمند است. خیال تعیین کننده میزان تسلط شاعر را در به تصویر کشیدن واقعیات بیان میکند و نشان دهنده چگونگی نگرش او به این واقعیات مادی و معنوی است. بی تردید ابزار اصلی که بتواند جامه تخیل به واقعیات بپوشاند و ما را به ماهیت اصلی شعر برساند؛ استفاده از فنون ادبی است. حس آمیزی یکی از این فنون است که شاعر در خلق آن از حواس ظاهری و باطنی خویش بهره میگیرد و مرز حواس را در هم می شکند. به عبارت دیگر نیروی تخیل برای توسعه واژه ها و تعبیرات مربوط به یک حس، آنها را به حسی دیگر منتقل میکند و ناقدان اروپایی به این انتقال synaesthesia میگویند و این همان اصطلاحی است که ما آنرا به عنوان «حس آمیزی» میشناسیم. در چنین مواقعی است که دیدنیها شنیدنی میشوند، بوییدنیها طعم و مزه میگیرند و آواها شیرین میشود و نگاهها گاه گرم و گاه سرد. این شکستن حصر استفاده از حواس، خواننده را به چالش فکری میکشاند. بنابراین در آمیختگی حواس میتواند به زیبایی و نوآفرینی کلام کمک شایانی نماید و نوعی آشنایی زدایی و شگفتی را در خواننده برانگیزاند. این صنعت که گاه در حوزه دستگاه بلاغی قرار میگیرد و گاه در حوزه مسائل زبانی و دستوری؛ یکی از عوامل مهم آشنایی زدایی و توجه برانگیزی در شعر محسوب میشود.

حس آمیزی با علوم و هنر مختلف در ارتباط است. در روانشناسی وضعیتی نورولوژیک است که مبتلایان اصوات را به شکل خاص میبینند و در موسیقی، حس آمیزی به صورت تلفیق حس شنوایی و بینایی بروز میکند و شخص پلی ما بین رنگها و آهنگها میسازد. در هریک از مکاتب غربی میتوان جلوه ای متفاوت از حس آمیزی را مشاهده کرد که این امر بستگی به ایدئولوژی و تفکر گروهی، استفاده از صنایع و آرایه های گوناگون و حد و مرزی است که هر مکتب در استفاده از احساسات برای پیروان خود دارد.

این صنعت از ادوار گذشته در شعر وجود داشته اما نامگذاری و رواج آن به دوره معاصر برمیگردد. «حس آمیزی، شگرد بلاغی است که در ادبیات فارسی سابقه کاربرد طولانی داشته است. این آرایه در دوره های مختلف ادبیات، با بسامدهای گوناگونی استفاده شده است. کاربرد حس آمیزی در دوره های نخستین شعر فارسی، بسیار کم و به ندرت بوده است. اما در شعر بعد از مغول افزایش یافته و در شعر سبک هندی بسامد آن بالای رود و در شعر معاصر به بیشترین رواج خود رسیده است.» (آینده ای برای صداها، شفیعی کدکنی: ۴۱ و ۴۴) آرایه حس آمیزی در شعر معاصر نسبت به شعر شاعران کلاسیک همچون بیدل، صائب و ... از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ شاید بتوان گفت این امر به دلیل آشنایی شاعران با اشعار و ادبیات اروپایی بود. «کاربرد این شگرد هنری در دوره معاصر، شکل مستقل به خود

گرفت و برخلاف گذشتگان که از آن به شکل پراکنده بهره می‌جستند؛ به عنوان اهرمی کارآمد برای زیبایی بخشیدن به کلام شاعر کاربردی پر دامنه یافته است. «کیانی، ۱۳۹۵: ۱۶۵»
با توجه به اهمیت حس‌آمیزی در شعر معاصر سعی بر آن شده است تا در این مقاله، جایگاه و کارکرد «حس‌آمیزی» در اشعار پروین اعتصامی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

۲-۱- ضرورت، اهمیت و اهداف تحقیق

با توجه به اهمیت شناخت این آرایه و شگرد بلاغی که بیان‌کننده ساختار فکری و احساسی صاحب اثر است، ضرورت این پژوهش بیش از پیش مشخص می‌گردد. شناخت و واکاوی سبکی این صنعت در شعر پروین می‌تواند راهگشای شناخت ذهنیات و ایدئولوژی او باشد. هدف اصلی از این پژوهش، شناخت مبانی نظری حس‌آمیزی و انواع و نمودهای آن و چگونگی بهره‌گیری از حواس در اشعار پروین اعتصامی است.

۳-۱- پرسشها و فرضیه‌های تحقیق

پرسشهای اساسی این پژوهش به ترتیب زیر است:

- در اشعار پروین اعتصامی، از میان دو نوع حس‌آمیزی (حسی به حسی) و (انتزاعی به حسی) کدام یک بسامد بیشتری دارند؟
- در اشعار پروین اعتصامی، کدام یک از حواس، در ساخت حس‌آمیزی، نقش مهم‌تر و بیشتری دارند؟

- در تلفیق حواس با یکدیگر در اشعار پروین اعتصامی، سهم کدام حس بیشتر است؟

فرضیه‌ها

- به نظر می‌رسد بسامد حس‌آمیزی "انتزاعی به حسی" در اشعار پروین اعتصامی، بیشتر باشد.

- به نظر می‌رسد حس‌بینایی به دلیل اهمیت کاربرد رنگ در اشعار معاصر، در ساخت حس‌آمیزی موجود در اشعار پروین اعتصامی، نقش مهم‌تری داشته باشد.
- به نظر می‌رسد تلفیق دو حس: بینایی و شنوایی در اشعار پروین اعتصامی از بسامد بیشتری نسبت به تلفیق دیگر حسها داشته باشد.

۴-۱- پیشینه تحقیق

اولین مطالعات و تحقیقات سامان یافته درباره این آرایه توسط دکتر شفیعی کدکنی انجام یافته است. او در کتابهای خود از جمله: «صور خیال در شعر فارسی»، «عنصر رنگ و مساله حس‌آمیزی»، «موسیقی شعر»، «شاعر آینده‌ها»، «زبان شعر در نثر صوفیانه» به این مهم پرداخته است. در کتاب «بررسی تشبیه در غزلیات شمس» از دکتر امیر حسین ماحوزی نیز، ایشان مبحثی را به حس‌آمیزی در غزلیات مولانا اختصاص داده‌اند.

در مورد آرایه حس آمیزی در اشعار شاعران کلاسیک و نو، تحقیقات زیادی انجام شده است، اما در خصوص آرایه حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی تحقیق مستقلی یافت نشد. در زیر به برخی از تحقیقات مربوط به بررسی حس آمیزی در اشعار شاعران معاصر اشاره میشود:

انصاری، علیرضا () در پایان نامه خود با عنوان «حس آمیزی در شعر معاصر» پس از بررسی پیشینه ای از حس آمیزی، تعریف و انواع آن، به سراغ نقش این آرایه در روان شناسی، زبان شناسی و زیبایی شناسی میرود و از فصل دوم به بعد به بررسی حس آمیزی در شعر هفت شاعر منتخب خود، می پردازد. سعد زاده، مریم (۱۳۹۵) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی حس آمیزی در شعر هفت شاعر معاصر» به بررسی حس آمیزی در شعر برخی شاعران معاصر پرداخته است.

راشکی، فاطمه (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «بررسی حس آمیزی در اشعار نصرالله مردانی» ضمن بیان کاربردهای حس آمیزی در شعر فارسی از کهن تا به امروز، به ساختار بلاغی حس آمیزی پرداخته و این آرایه را در شعر نصرالله مردانی مورد تحقیق و واکاوی قرار داده است. کریمی، پرستو (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان «حواس پنجگانه و حس آمیزی در شعر» ضمن تعریف حواس مختلف و بکارگیری آنها در اشعار شاعران، به سراغ معنای حس آمیزی و نقش آن در غنی سازی زبان میرود. بهنام (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان «حس آمیزی: سرشت و ماهیت» سعی بر آن دارد تا حس آمیزی را از نظر ساختار زبانی و نقش آن در هنر واکاوی نماید. سعد زاده، مریم (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی حس آمیزی در اشعار حماسی و روایی اخوان ثالث» حس آمیزی را بر اساس چگونگی تلفیق و بسامد حواس در اشعار اخوان مورد بررسی قرار داده است.

۲- بحث و بررسی

۱-۲- حس آمیزی و جایگاه بلاغی آن

واژه حس آمیزی، اصطلاحی است که استاد شفیعی کدکنی در برابر واژه فرنگی (سینستزی) و این اصطلاح امروز در زمان ما کاملاً جا افتاده synesthesia و پذیرفته شده است. وی حس آمیزی را جلوه ای از صور خیال میداند، که در چند دهه اخیر در اروپا نامگذاری شده و پس از در ایران ترجمه شده و در کتب بلاغی به کار رفته است و در تعریف حس آمیزی میگوید: «منظور از حس آمیزی، بیان و تعبیری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس با یکدیگر یا جانشینی آن خبر میدهد». (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ۱۵)

جرجانی در اسرار البلاغه با آوردن نمونه ای از حس آمیزی به تعریف این آرایه پرداخته است. وی با مشترک دانستن کیفیت شیرینی میان کلام و عسل، درک آن را منوط به درک صورت ظاهری و فیزیکی نمیداند بلکه شباهت آنها را در کیفیتشان میداند. یعنی لذتی که

هنگام خوردن عسل و نیز حس لذت مشابه که هنگام شنیدن کلامی زیبا و شنیدنی در درون ایجاد میشود که برای توصیف چگونگی آن از یکی از متعلقات حس چشایی، یعنی شیرینی بهره گرفته میشود. (اسرار البلاغه جرجانی: ۸۸)

همچنین در تعریف دیگری که از حس‌آمیزی شده این شیوه بیان را نوعی ابزار مبالغه در توصیف دانسته‌اند که شاعر بدان وسیله مضمون را "تجسم و تجسد" میبخشد و به زبان دیگر با حس می‌آمیزد، محسوس میکند و صفات محسوس را برای امری معقول یا انتزاعی می‌آورد". (نقد بدیع، فشارکی: ۹۹)

با بررسی و تعاریف ارائه شده از حس‌آمیزی میتوان دریافت که حس‌آمیزی شیوه‌ای است که شاعر با بهره‌مندی از قوه تخیل، سبب شکستن مرزهای عادی حواس ظاهری و باطنی میشود و قدرت سخن را در مخاطب بیشتر میکند.

شفیعی کدکنی در اثر «صور خیال در شعر فارسی» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ۲۶۷) ماهیت حس‌آمیزی را استعاره دانسته و در کتاب «موسیقی شعر» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ۱۵) این عنصر زبانی را، شکل خاصی از استعاره یا مجاز بر شمرده است، البته میان سخن ایشان در این دو اثر تناقض وجود ندارد، زیرا اصل حس‌آمیزی از استعاره و اساس استعاره نیز از مجاز گرفته شده است. «وقتی یک گزاره از نوع حس‌آمیزی ساخته میشود ذات پدیده‌ها تغییر نکرده‌اند؛ بلکه دامنه دریافت و ادراک ما به وسیله استعاره گسترش یافته است، این امر موجب گسترش دایره ادراک و تقویت حواس و ژرفا بخشی به بینش ما می‌شود و تصرف گوینده را در قوانین محدود و تکراری جهان فراهم میکند، پدیده‌های طبیعی در گستره ادراک ما آن قدر انعطاف پذیر میشوند که مزه‌ها شنیدنی و رنگها، چشیدنی میشوند و بویها رنگ دارند. در چنین قلمرو ادراک پدیده‌ها چند بعدی خواهند شد. «(بلاغت تصویر، فتوحی: ۳۱۹)

در نظر پژوهشگران غربی، حس‌آمیزی نوعی استعاره است. در ادبیات غرب از این شیوه با تعبیر «الحس المتوازی» یا «تبادل الحواس» یاد شده است. «(المصطلحات العربیه فی اللغه و الادب، وهبه: ۵۵۶) سیروس شمیسا در کتاب "نگاهی تازه به بدیع" حس‌آمیزی را از فروع تضاد محسوب میدارد. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ۱۱۲) و هم او در کتاب دیگر خود به نام «بدیع» در مبحث خاتمه در علم بیان که به توضیح درباره اسناد مجازی می‌پردازد، آن را اغتشاش در محور هم نشینی زبان دانسته و حس‌آمیزی را نوعی اسناد مجازی میداند.

بنابر نظرات بالا میتوان چنین برداشتی از حس‌آمیزی داشت که اولاً حس‌آمیزی اخص از استعاره میباشد و استعاره نیز نوعی مجاز به شمار می‌آید.

حس‌آمیزی عهده‌دار دو نقش مهم است: یکی «تغییرگرایی» که مثلاً شاعر در درک حس بویایی تغییر ایجاد نموده و آنرا با حس شنوایی یا لامسه یا چشایی درک میکند و

صداها را به رنگ تبدیل و رنگ را با صدا احساس میکند و این تصاویر را از حالت طبیعی به حالت هنری و ادبی تبدیل میکند. دیگری « ترکیب‌گرایی » که وظیفه ترکیب دو حس یا بیشتر را دارد. در کاربست حس آمیزی این دو اصل بسیار مهم هستند؛ نخست اینکه حس آمیزی باید معنا و مفهوم مورد نظر را بخوبی به مخاطب القا کند و در وعده دوم باید دارای زیبایی هنری و شاعرانه باشد تا موجب لذت از متن ادبی گردد.

۲-۲- حس آمیزی در ارتباط با آرایه‌های بلاغی

بررسی صورتهای مختلف حس آمیزی نشان میدهد که از نظر بلاغی، دو سوی ترکیب حس آمیزی میتواند تشبیه، استعاره، مجاز یا کنایه باشد.

الف- حس آمیزی در تصاویر تشبیهی

در اینگونه حس آمیزی، ویژگیهای دو حس در ترکیب با یکدیگر رابطه شباهت دارند. «اگر پیوند و شباهت بین دو شیء هر دو در شمار محسوسات باشند و هر کدام نیز به حوزه حسی متفاوت از هم مربوط باشند، نوعی تشبیه بر پایه حس آمیزی شکل گرفته است. بدیهی است کشف رابطه شباهت میان دو شیء که مثلاً یکی با حس شنوایی و دیگری با حس بینایی دریافت میشود، دیرپایتر و دشوارتر است. (سفر در مه، پورنامداریان: ۲۳۷)

با این در آمیختگی، ذهن خواننده به چالش کشیده میشود و حس الغای سخن را در او بر میانگیزد.

با نرگست چه عرض تمنا دهد کسی دیدیم سرمه‌ای که نگه شد صدای ما
(کلیات بیدل، ج ۲: ۹۲۶)

نمونه‌های حس آمیزی در تصاویر تشبیهی در اشعار پروین اعتصامی: حدیث روشن ظلم (۳۵۷) حدیث نور تجلی (همان: ۴۰۶) پند تلخ (۲۶)، قصه تلخ (۲۶۷) و...

ب- حس آمیزی در تصاویر کنایی

در این ترکیب رابطه کنایی (لازم و ملزوم) وجود دارد. میتوان گفت که تمامی حس آمیزیهای که یکی از ویژگیهای حس بساواپی در یک سوی ترکیب باشد، کنایه میسازند. بهترین نمونه آنها را میتوان در محاوره‌های روزانه مشاهده نمود مانند: قیافه با نمک، خبر تلخ و ...

ترسم شود آزرده ز تاب نگه گرم رخسار کز تو سایه مژگان
(همان، ج ۲: ۹۲۶)

نمونه‌های حس آمیزی در تصاویر کنایی در اشعار پروین اعتصامی: با چشم خواندن (۲۰۰) نفس تو رنگی شد و سپید نگردد (۸۶)، ز خود بینی سیه کردی دل بی غش (۱۱۲)، گر نشوی پخته در این کارها (۱۶۴)، روشن ضمیر (۴۰) تیره روان (۳۱۰) و...

ج- حس آمیزی در تصاویر استعاری

یکی از پرکاربردترین انواع تصاویر حس آمیزی است و شاید بتوان گفت استعاره بیش از سایر آرایه‌های بلاغی به شاعر در خلق تصاویر حس آمیخته کمک میکند. تصاویری از این دست با استفاده از استعاره مکنیه و تشخیص ساخته میشود. «این آرایه به علت فاصله‌گیری از حقیقت و واقع، وارد حوزه مجاز میشود و به استعاره نزدیک میگردد؛ نزدیکی حس آمیزی به استعاره از این جهت است که اساس و بن‌مایه هر دو مجاز است و بدین دلیل با آن متفاوت است که استعاره بر پایه علاقه مشابَهت میان مشبه و مشبه‌به با میشود؛ اما در حس آمیزی علاقه یکپارچگی اثر معنوی دخالت دارد، یعنی هر دو حس الفاگر یک حس هستند نه اینکه حسی به حس دیگر شبیه باشد. (المصطلحات العربیه فی اللغه و الادب، وهبه: ۵۵۷)

پس کشیدندش به شهر بی اختیار / نشست در مجلس ترش چون زهر مار
(مثنوی معنوی، دفتر ۶: ۳۹۱۶)

نمونه‌های حس آمیزی در تصاویر استعاری در اشعار پروین اعتصامی: وجود منز به تیرگی پیوست (۲۲۳)،

د- حس آمیزی در تصاویر همراه با مجاز

در این نوع حس آمیزی، بین دو سوی ترکیب مناسبتی وجود دارد و حواس را به جای یکدیگر به کار می‌برند. مثلاً: "دیدن رنگ" یا اندازه یا هئیت ظاهری هر چیز کار حقیقی حس بینایی است؛ اما "دیدن عطر" یا "شنیدن رنگ" کاربردی است مجازی، از حواس بینایی و شنوایی برای ادراک پدیده‌هایی که در حوزه آن حواس نیستند. (فرهنگ اصطلاحات ادبی داد: ۱۹۷)

افسانه نیست آینه دار مآل شمع / آثار تیرگی همه روشن شنیده اند
(کلیات بیدل، ج ۲: ۸۱۸)

نمونه‌های حس آمیزی در تصاویر همراه با مجاز در اشعار پروین اعتصامی: دیدن تلخی (۵۱۰) شنیدن تلخی (۲۶ و ۲۶۷) و..

ح- حس آمیزی در تصاویر متضاد

گاهی دو ترکیب حس آمیزی در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و دو ترکیب حواس متضاد در یک بیت با هم همراه میشوند. شمیسا حس آمیزی را از فروع تضاد میدانند (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ۱۱۲) نوعی تضاد وجود دارد که از آمیختن دو یا چند حس در کلام به وجود می‌آید. اینگونه تضاد را حس آمیزی گویند. (آرایه‌ها و دانستنیهای سخن فارسی، جلیلی: ۱۰۸)

ای بدیده در فراغم سرد و گرم / با خود آ از بی خودی و باز گرد
(مثنوی معنوی، دفتر ۳: ۴۶۶۶)

نمونه‌های حس آمیزی در تصاویر متضاد در اشعار پروین اعتصامی: تلخی و شیرینی هستی (۳۰۱) سیاه و سفید ندا و راق هستی (۱۱۶)، سرد و گرم روزگار (۲۱۶)، و...

و- حس آمیزی در تصاویر پارادوکسی

دو سوی ترکیب حس آمیخته، پارادوکس دارد
بس که افسردگی افسون تحیر دارد
سیل چون جاده فتاده است در این صحرا خشک
(کلیات بیدل، ج ۲: ۹۴۷)

نمونه‌های حس آمیزی در تصاویر پارادوکسی در اشعار پروین اعتصامی: وجود نداشت.

۲-۳- انواع حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی

محدوده استفاده از حس آمیزی در طول زمان (از سبک خراسانی تا سبک هندی) از حواس ظاهری وارد ادراک باطنی شده است، جابه‌جایی حسها و محسوسها در قلمرو حواس پنجگانه یک نوع ساده و آشکار حس آمیزی است. صورت عامتر و پنهانتر این است که این صفت‌های حسی را به پدیده‌های انتزاعی که اصلاً قابل دریافت با حواس ظاهری نیستند، نسبت بدهیم. به عبارت دیگر آمیختگی قلمروهای حس با یکدیگر منحصر در حواس خمسۀ ظاهری نیست، بلکه حواس باطنی را نیز شامل میشود. بنابراین «حس آمیزی به دو گونه بروز میکند: یکی اینکه دو حس مختلف با هم، مثلاً حس شنوایی و بویایی درهم آمیزد و نوع دیگر حس آمیزی بدین معناست که شاعر برای اینکه مضمون خود را بیشتر به ذهن خواننده نزدیک کند، صفاتی را که برای جسم هست، برای یک امر عقلی یا انتزاعی می‌آورد. (نقد بدیع، فشارکی: ۹۸) (بدیع در شعر فارسی، عقدایی: ۹۶)

به لحاظ طرفین میتوان حس آمیزی را به دو مقوله اصلی «حسی-حسی» و «انتزاعی-حسی» طبقه بندی کرد:

۱-حسی-حسی: در این نوع از حس آمیزی هر دو تصویر ترکیب حس آمیخته با حواس قابل درک میباشد، یعنی حس آمیزی که حاصل ترکیب و آمیختن دو حس مختلف از حواسند و به عبارت دیگر هر دو سوی ترکیب شامل حواس ظاهری باشد. مانند: خنده تلخ، سخن شیرین

۲-حسی-انتزاعی: در این نوع از حس آمیزی یک طرف تصویر در ترکیب حس آمیخته با حواس قابل درک نمیباشد، یعنی حس آمیزی که حاصل ترکیب و آمیختن یک مفهوم انتزاعی (عقلی) با یک ویژگی از حواس ظاهری باشد. مانند: نوای عیش، رنگ استغنا

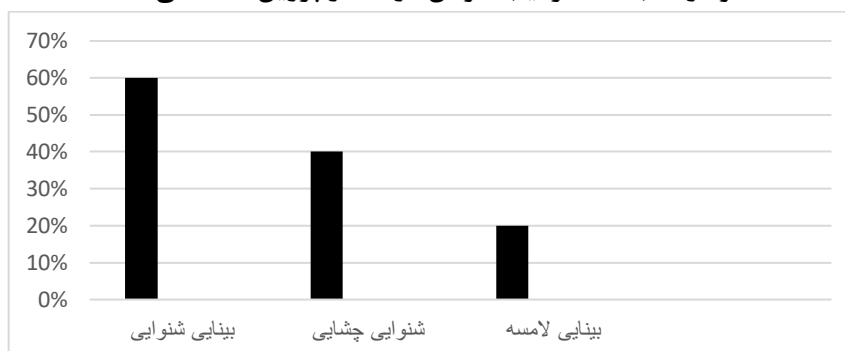
نمودار ۱- نمودار انواع حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی



از مجموع ۶۳ مورد حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی، ۶ مورد حس آمیزی از نوع حسی به حسی و ۵۷ مورد حس آمیزی مربوط به انتزاعی به حسی است. ازدیاد بسامد استفاده از حس آمیزی از نوع انتزاعی به حسی در اشعار پروین اعتصامی، نشانگر این نکته است که وی به محسوس کردن مفاهیم انتزاعی، بیش از در آمیختن حواس توجه داشته است. به علاوه نشان می‌دهد که وی قصد داشته مفاهیم انتزاعی همچون مرگ، زندگی، عشق و ... را نزد مخاطب ملموس نماید.

۱-۳-۲- حس آمیزی بر مبنای «حسی-حسی» در اشعار پروین اعتصامی

نمودار ۲- بسامد ترکیب حواس در اشعار پروین اعتصامی



اگر فرض کنیم در ترکیب حواس، تنها دو حس دخالت داده شود، متناسب با حواس پنجگانه، بیست حالت مختلف ممکن است به وجود آید که شامل ده زوج قریه است، به بیان دیگر، هنگام تبدیل یا ترکیب این حواس با یکدیگر، از نظر تقدیم یا تاخیر ویژگیهای حواس،

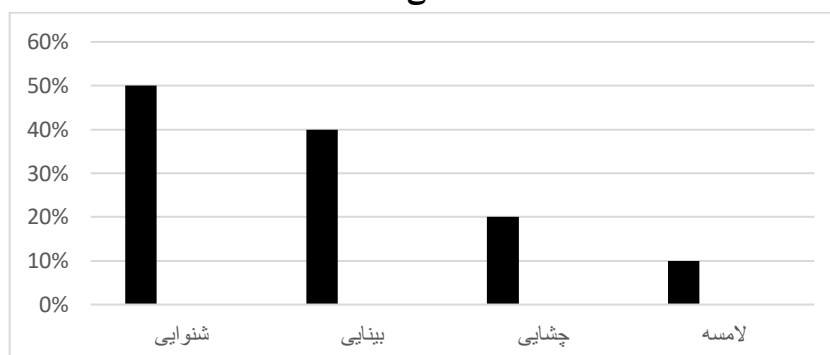
حالت عکس آنها هم قابل تصور است. «از لحاظ جدول امکانات زبانی، به تناسب پنج حس ظاهری، از نظر ترکیب یا تبدیل این حواس به یکدیگر میتوان بیست و پنج نوع حس آمیزی فرض نمود که بسیاری از آن هیچ گاه در زبان فارسی قابل تصور میباشد. (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ۱۹)

از ۶۳ مورد حس آمیزیهای بررسی شده ۶ مورد در این گروه جای میگیرد که پروین از میان بیست ساخت ممکن حس آمیزی (ترکیب حواس با یکدیگر) تنها ۳ ساخت را به کار برده است.

جدول ۱- بسامد حواس در حسی به حسی در اشعار پروین اعتصامی

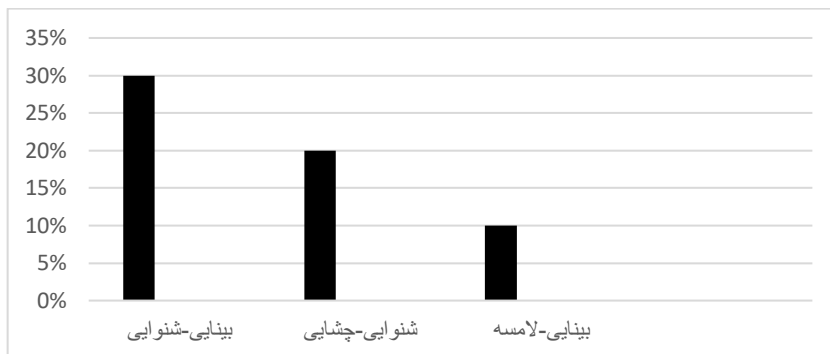
نوع حس	شنوایی	بینایی	چشایی	لامسه
تعداد	۵ مورد (حدیث: ۲ مورد / قصه و حکایت ۱ مورد)	۴ مورد (روشن: ۲ مورد / نور: ۱ مورد / سرشک: ۱ مورد)	۲ مورد (تلخ)	۱ مورد (گرم)

نمودار ۳- بسامد حواس بر اساس فراوانی در حسی به حسی در اشعار پروین اعتصامی



از مجموع ۶ مورد حس آمیزی از نوع حسی به حسی، بسامد حواس بر اساس فراوانی در اشعار پروین اعتصامی، به ترتیب شنوایی با ۵ مورد، بینایی با ۴ مورد، چشایی با ۲ مورد و لامسه با ۱ مورد است.

نمودار ۴- بسامد ترکیب حواس بر اساس فراوانی در حسی به حسی در اشعار پروین اعتصامی



در چگونگی تلفیق دو حس بینایی-شنوایی با بسامد بیشتری نسبت به سایر حواس و کمترین بسامد ترکیب حواس در بینایی-لامسه است. بهنام نیز در مقاله خود تحت عنوان "حس‌آمیزی: سرشت و ماهیت" بیشترین بسامد ترکیب حواس را ترکیب میان دو حس بینایی و شنوایی میداند. (حس‌آمیزی، ماهیت و سرشت، بهنام: ۷۶)

۱- بینایی-شنوایی: حدیث روشن (۳۵۷)، حکایت روشن (۴۰۱)، حدیث نور (۴۰۶)
در این نوع حس‌آمیزی، ویژگیهای منسوب به حس بینایی از قبیل: نور، شعله، نگاه، دیدن، روشنی، بلندی و... خصوصاً رنگ «که مهمترین عنصر ادراکات این حس است» (صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکنی: ۲۷۲) با منسوبات حس شنوایی از قبیل: سخن، سرود، آه، نکته، قصه، افسانه، صحبت و... با هم ترکیب میشود.

در حیطه حس‌آمیزی «حس بینایی» از حواس دیگر پرکاربردتر است و رنگ در این حس مهمترین عنصر ادراکی به شمار می‌آید. عنصر رنگ در شعر به روحيات و علاقه‌های پنهانی شاعر وابسته است، حتی میتوان با بررسی دقیق در لابه‌لای اشعار یک شاعر و تمایل او برای به کار بردن رنگهای مختلف، به شخصیت واقعی‌اش پی‌برد و دانست که او درونگرا یا برونگراست. اما «رنگ در دیوان پروین کمترین دخالت را دارد. هرکجا که اسمی از آن به میان می‌آید، عینیت خود را از دست میدهد و به خدمت مفهوم درمی‌آید. گلها و گیاهانی چون بنفشه و سرو و بید و چنار از خصوصیات عینی آنها خبری نیست اما خصوصیت ذهنی که شاعر برای آنها فرض میکند از قبیل نخوت، دلتنگی، بی‌بهره بودن از کامرانی و... بسیار است. تصاویر نیز در شعر او همین خصوصیت را دارد، هیچ موجودی در اشعار او چهره ظاهری خود را ندارد. (گزیده اشعار پروین، با مقدمه جلالی: ۱۰۸)

پروین اعتصامی در این نوع ترکیب از روشنی و نور میگوید که حدیث و حکایت آنها شنیدنی است:

در شعری به نام "تهیدست" چنین میسراید:

چشم چشم، نخوانده است این رمز / که همه چیز نمیباید دید
(اعتصامی، ۱۳۸۲: ۲۰۰)

در این بیت، خواندن از افعالی است که با حس بینایی حس میشود و شاعر ترکیب با چشم خواندن را ساخته است که ترکیبی است در حالت جمله و احتیاج به تاویل دارد. حدیث روشن ظلم شی و ذلت ما حقیقت است، چرا صحبت از مجاز کنیم (همان، ۳۵۷)

صنعت "روشنی" همراه با حدیث از حس شنوایی ترکیب زیبای حس آمیزی را ساخته است.

در شعری به نام "گفتار و کردار" که مناظره ای بین گربه و شیر است، از ترکیب حس آمیز "حدیث نور" استفاده کرده است:

حدیث نور تجلی به نزد شمع مگوی / نه هر که داشت عصا، بود موسی عمران
(همان: ۴۰۶)

شاعر در این بیت، به خوبی توانسته است حدیث از حس شنوایی را با نور از حس بینایی ترکیب کند.

۲- شنوایی - چشایی: پند تلخ (۲۶)، قصه تلخ (۲۶۷)

در اینگونه حس آمیزی، حس چشایی با وابسته هایی چون: شیرینی، تلخی، خام، نمکین و... با ویژگیها و وابسته های حس شنوایی مانند: حدیث، خنده، کلام، دشنام، شنیدن و... با هم ترکیب میشوند و تصاویر زیبایی خلق میکنند.

در این نوع حس آمیزی، پروین تنها از طعم تلخی سخن میگوید و دیگر طعمها و مزه ها مانند تند، شوری، تندی، ترش و گسی به مزاج او سازگار نبوده است. شاید در این مورد بتوان به زندگی او اشاره کرد که مزه تلخی در مذاق شاعر از دیگر مزه ها بیشتر است.

در شعری به نام "گویند عارفان هنر و علم کیمیاست" از تلخی پند و اندرز میگوید و آن را برابر با تلخی و داروی شفا بخش میکند:

گر پند تلخ میدهمت ترشرو مباش / تلخی بیاد آر که خاصیت دواست
(همان: ۲۶)

و در شعری دیگر صفت تلخی را همراه قصد میکند و این چنین میسراید:

قصه تلخیش دراز مکن / زندگی، روزگار کوتاهی است
(همان: ۲۶۷)

پروین در شعر "راه دل" از کوتاهی زندگی میگوید که نباید قصه تلخیهای آن را طولانی کرد و به خوبی توانسته است ترکیب حس آمیزی از واژه قصه که با حس شنوایی درک میشود را با صفت "تلخی" از حس چشایی همراه کند.

۳- بینایی - لامسه: سرشک گرم (۴۷۵)

در این مورد مدرکات حس بساواایی همچون: نازکی، گرمی، نمناکی، گرانی، تری و... با مدرکات حس بینایی ترکیب شده و تعبیر نوینی را به وجود می‌آورند. پروین در این نوع ترکیب تنها از یک صفت "گرمی" از حس لامسه بهره جسته است: او در بیتی از گرمی اشک خود سخن میگوید:

دانی ز من برای چه دامن گرفت دهر / من جز سرشک گرم به دامن ندا شتم (همان: ۴۷۵)

اشک از حس بینایی با گرمی از حس لامسه همراه شده است.

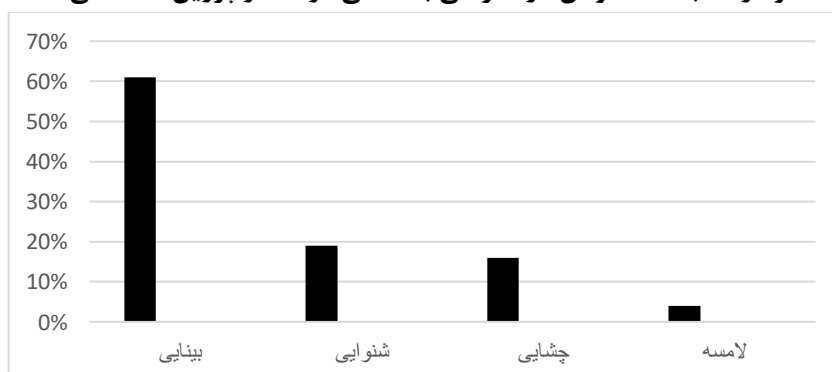
۲-۳- حس آمیزی بر مبنای «انتزاعی به حسی» در اشعار پروین اعتصامی

«آمیختگی قلمروهای حسی با یکدیگر منحصر در حواس خمسۀ ظاهری نیست بلکه حواس باطنی را نیز شامل میشود (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ۱۷) در این دسته از ترکیبات پروین مفاهیم مجرد انتزاعی اشعارش را با چهار حس از حواس پنج گانه در آمیخته است که بیشترین بسامد استفاده از این چهار حس، به حس بینایی متعلق است. گویی دیداری شدن مفاهیم انتزاعی نزد او اهمیت زیادی دارد.

جدول ۲- بسامد حواس در انتزاعی به حسی در اشعار پروین اعتصامی

نوع ترکیب	انتزاعی - بینایی	انتزاعی - شنوایی	انتزاعی - چشایی	انتزاعی - لامسه	انتزاعی - بویایی
تعداد	۳۵	۱۱	۹	۲	-

نمودار ۵- بسامد حواس در انتزاعی به حسی در اشعار پروین اعتصامی



۱- مفهوم انتزاعی + بینایی (۳۵ مورد):

موارد ترکیبی: تیره رای (۸)، روشن روان (۱۹)، افسونگری روشن (۳۰)، روشنائی جان (۳۷)، روشن ضمیر (۴۰)، تیره دل (۴۷)، دل روشن (۵۱)، رنگ خودبینی (۶۲)، روشنی جان (۶۶)، سیاه روزگار (۱۱۹)، ظلمات دل (۱۲۵)، سیاه دل (۱۳۶)، نور امید، سیاهی روزگار (۱۴۶)، یاه سبز (۲۰۰)، تاریک رای (۲۶۴)، روشن دل (۲۶۶)، تیره بخت (۳۰۲)، تیره روان (۳۱۰)، تیره دلان (۳۲۵)، تیره سرانجام (۳۳۱)، روشن رای (۳۹۰)، تاریکی درون (۴۴۱)، سیاه روزگار ظلم (۴۷۳).

موارد غیر ترکیبی: نفس تو رنگی شد و سپید نگردد (۸۶)، به چشم از موفت نوری بیفروز (۱۱۱)، ز خود بینی سیاه کردی دل بی غش (۱۱۲)، سیاه و سفید ندا و راق هستی (۱۱۶)، اندوهش از دیده و دل نور برد (۱۶۵)، همه اوراق دل من سیاه است (۲۰۱)، وجود منز به تیرگی پیوست (۲۲۳)، و سیاهی چون مه روشنی (۲۷۶)، سیر کنی وجدان، بشوی گرد سیاهی دل (۲۹۰).

حس بینایی فعالترین حس انسان است «و هم چنین در قلمرو حس آمیزی پر امکانتترین حسها، حس بینایی است» (صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکنی: ۲۷۲) و در این میان عنصر رنگ به عنوان گسترده ترین حوزه محسوسات انسانی در ادبیات سهم عمده ای را بر عهده دارد «از میان حواس پنج گانه انسان فعالترین حس، حس بینایی است و مهمترین عنصر ادراکات این حس نیز رنگ است. از این رو در ادب فارسی، همانند دیگر زبانها، عنصر رنگ در معنی اصلی یا استعاره ما خود بسامد بالایی دارد.» (فرهنگنامه ادبی فارسی، انوشه: ۶۷۸)

شاعران و نویسندگان بیشترین استفاده از رنگ را برای بیان احساسات خود در قالب زبان و تصاویر شعری میبرند. عنصر رنگ در ساخت ترکیبات حس آمیز نقش مهمی را بازی میکند و این نقش در دوره های آغازین شعر پارسی بسیار پررنگ بوده است. «بر روی هم در صور خیال، رنگ یکی از موثرترین عوامل آفرینش است، هم از نظر مجازهای زبان شعر هم از نظر اهمیتی که در خلق تشبیهات و استعاره های متحرک و حسی دارد.» (صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکنی: ۲۷۱).

در حوزه حس بینایی تنها رنگی که در ترکیبات حس آمیز پروین به چشم میخورد، سیاهی و مترادف آن تیرگی است. «رنگها در متون ادبی عمدتاً از عوامل درونی و فضای روح و روان و ذهن بر زبان شاعر جاری میشود یعنی رنگهای شعری، بازتاب انگیزه های درونی آنهاست و رنگها از ذهن شاعر گزارش میدهند.» (روانشناسی رنگ در اشعار آینی، پناهی: ۵۱)

انتخاب رنگ سیاه نشان دهنده آن است که شخص میخواهد هر چیزی که بیرون از دایره اعتراض لجوجانه او نسبت به وضع موجود است و از نظر وی آن طور که باید و شاید

نیست، نفی کند؛ این شخص در برابر سرنوشت و یا دست کم در برابر سرنوشت خود قد علم میکند و در معرض یک رفتار عجولانه و غیر عاقلانه است." (روانشناسی رنگها، لوشر: ۹۸). این موضوع در مورد پروین صدق میکند، چرا که این رنگ نشانه روح آشفته و نابسامان او است و اضطرابی که شاعر هر لحظه با آن دست به گریبان است.

از مترادفات آن تیرگی و ظلمت است که با مفاهیم انتزاعی چون: رای، دل، روان، سر انجام، درون و ... همراه میشوند.

مفرسای با تیره رایی درون را میالای به ژاژخایی دهان را
(دیوان پروین اعتصامی: ۸)

پروین در این سروده خود، انسانها را از تیرگی زایی بر حذر میدارد که درون و باطن آنها را از بین میبرد و نابود میسازد.

"روشنی" از صفات دیگری است که شاعر در شعر خود از آن استفاده کرده است:
روشن ضمیر آنکه از این خوان گونه‌گون قسمت همای‌وار به جز استخوان نداشت
(همان: ۴۰)

او روشنی باطن و ضمیر آدمی را وابسته به آن میداند که چون پرنده هما از خوان این دنیا هیچ آذوقه‌ای طلب نکند.

در سروده دیگری خودبینی و غرور را با رنگ از حس بینایی همراه میکند و از بشریت میخواهد که این رنگ را از آئینه دل بزداند تا دلی صاف و روشن دست یابند:
رنگ خودبینی از آئینه دل بزدا گرد آلودگی از چهره جان بسـتر
(همان: ۶۲)

او در شعری دیگر به نام "امید و نومیدی" روشنی و نور را همراه مفهوم انتزاعی امید میکند:

خوش آن رمزی که عشق را نوید است خوش آن دل‌کاندر آن نور امید است
(همان: ۱۴۶)

عسس کی نشود، دزد تیره روان تو خود باش این گنج را پاس‌بان
(همان: ۳۱۰)

تیرگی و سیاهی سرشت و نهاد دزد را با ترکیب صفت تیره از حس بینایی با روان و روح از مفاهیم انتزاعی همراه کرده است تا به خوبی ذات پلید دزد را به تصویر کشد.

در مناظره‌ای به نام "صید پریشان" پروین حال مرغ گرفتار در بند و اسارت را بازگو میکند که سر انجام تیره و تاری دارد و غیر از دانه دام غذای دیگری ندارد:

چه خواهم خورد، غیر دانه دام چه خواهم بود، جز تیره سر انجام
(همان: ۳۳۱)

در شعری با نام «نامه به انوشیروان» از سیاهی ظلم میگوید که همچون سند و برگه ای است که تنها اشک و آه در آن ثبت شده است:

سند بدست سیه روزگار ظلم، بس است
صحیفه ای که در آن، ثبت اشک و آه کنند
(همان: ۴۷۳)

۲- مفهوم انتزاعی + شنوایی (۱۱ مورد)

موارد ترکیبی: قصه های روزگار (۱۱)، رازهای زمانه (۴۴)، حدیث زندگی (۱۳۱)، حدیث مهر (۲۲۴)، فریاد شوق (۲۲۵)، حدیث هوی و هوس (۲۵۶)، ناله های غم (۲۹۱)، شعر غم (۳۳۱)، حدیث ظلم (۳۵۷)، حکایت آشوب (۳۷۹)، حدیث فتنه (۳۸۸).

موارد غیر ترکیبی: -

قصه، حدیث، فریاد و راز از ابزار بیانی است که شاعر در ساخت این نوع ترکیبات حس آمیز از آنها بهره برده است.

شاعر در بیتی به زیبایی از روزگار باستان قصه میسازد که با همان ادبیات تعلیمی خود به آدمی گوشزد میکند که عاقبت انسانها هم به قصه های باستانی تبدیل میشوند. بنا براین باید از گذشتگان عبرت بگیرد:

تو نیز از قصه های روزگار باستان گردی
بخوان از بهر عبرت قصه های باستان را
(همان: ۱۱)

در بیتی از مهر و محبت حدیثی میسازد که جهان به آدمی میآموزد که بالاترین حد آن را میتوان در مهر مادری دید:

گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان
روزی تو هم شوی چو من ایدوست مادری
(همان: ۲۲۴)

در سروده دیگری از شوق که مفهوم انتزاعی است با همراهی فریاد که با حس شنوایی محسوس میشود ترکیب زیبایی فریاد شوق را برای اطفال در حال بازی ساخته است:

فریاد شوق و بازی اطفال دلکش است
وانگه به بام لانه خرد محقری
(همان: ۲۲۵)

در شعر «دیدن و نادیدن» که مناظره ای میان مردمک چشم و مژگان است، از هوی و هوس حدیثی میسازد:

مرا حدیث هوی و هوس مکن تعلیم
هنروران نپسندند خود پسندیدن
(همان: ۲۵۶)

۳- مفهوم انتزاعی + چشایی (۹ مورد)

موارد ترکیبی: خام فریبی (۱۰۸)، تلخی و شیرینی هستی (۳۰۱)، فکرت خام (۴۸۴)،

تلخی ایام (۵۱۰)

موارد غیر ترکیبی: بدین تلخی ندیدیم زندگانی (۱۴۵)، گر نشوی پخته در این کارها (۱۶۴)، فکرهای می پخت با سخنهای خام (۲۱۷)، شیرین نشد چو زحمت مادر، وظیفه ای (۲۲۵)، تلخ است گرفتاری و صبر (۲۵۳)،

تلخی و شیرینی دو مزه ای هستند که او در این ترکیب حس‌آمیز از آنها بهره برده است و از مزه‌های دیگر نشانی دیده نمی‌شود. پختگی و خامی هم در این نوع ترکیب با مفاهیم انتزاعی به کار رفته شده اند. در شعری با عنوان «امید و نومیدی» از تلخی زندگانی سخن می‌گوید و سختیها و مصائب آن را با مزه تلخی به مذاق خواننده محسوس می‌کند.

بدین تلخی ندیدم زندگانی بدین بی مایگی بازرگانی
(همان: ۱۴۵)

در بیتی دیگر، صفت تلخی را برای دو مفهوم انتزاعی «گرفتاری» و «صبر» می‌آورد که انسان به دشواری می‌تواند آنها را تحمل نماید به طوری که با شکر هم شیرین نمی‌شود:

بس که تلخ است گرفتاری و صبر دل ما را هوس شکر نیست
(همان: ۲۵۳)

در سروده زیبایی مانند سایر سروده‌های پروین، شاعر از سوز اشک می‌گوید که تلخی و شیرینی هستی را می‌چشد و از تمامی اخبار و وقایع عالم با خبر می‌شود و سرازیر می‌گردد:

تلخی و شیرینی هستی چشید از حوادث با خبر گردید و رفت
(همان: ۳۰۱)

در این بیت شاعر از هر دو طعم شیرینی و تلخی استفاده کرده است و نوعی تضاد نیز همراه آرایه حس‌آمیزی در شعر خود آفریده است.

در شعر دیگر او به نام "نغمه صبح"، او به زیبایی از خامی و نا پختگی فکر و اندیشه خود سخن می‌گوید و صفت خامی از حس چشایی را در کنار فکر قرار می‌دهد تا فکر بیهوده را با این روش برای خواننده محسوس‌تر نماید.

از دست مده، بفکرت خام امنیت ملک آشیانه
این پایه خرد استوار است (همان: ۴۸۴)

در قطعه ای که برای سنگ مزار خود سروده است از سختیها و ناملایمات روزگار به تلخی یاد میکند که در عوض این تلخیها، اشعار او بسیار شیرین است:

گرچه جز تلخی از ایام ندید هرچه خواهی، سخنش شیرین است
(همان: ۵۱۰)

۴- مفهوم انتزاعی + لامسه (۲ مورد)

موارد ترکیبی: خواب سنگین (۱۱۷)، سرد و گرم روزگار (۲۱۶)،

موارد غیر ترکیبی: -

در شعر جولای خدا، پروین از عنکبوتی میگوید که در حال تنیدن تار است و از سرد و گرم روزگار گوشه گیری میکند.

عنکبوتی دید بر در، گرم کار گوشه گیر از سرد و گرم روزگار (همان، ۲۱۶)

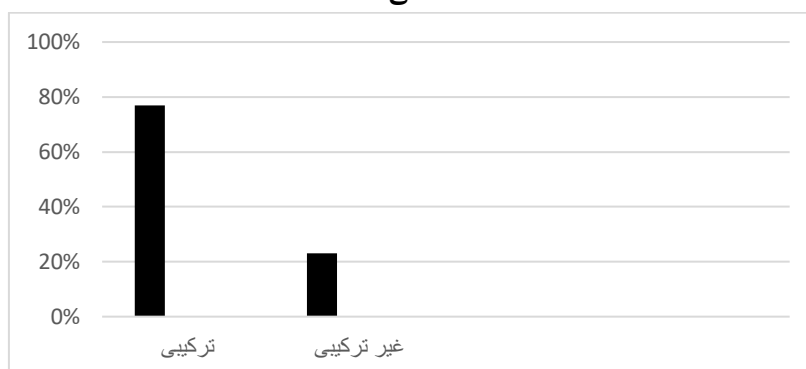
بیشتر تصاویر حس آمیز در دیوان پروین اعتصامی، تصاویری است که از ترکیب دو حس با یکدیگر ساخته شده اند و به اصطلاح دو بعدی هستند و تصاویر سه بعدی که از در هم آمیختگی سه حس یا بیشتر ساخته میشوند در شعر او چشم نمیخورد. بسامد موصوف و صفت در ساخت این نوع ترکیبات بیش از اسم و فعل است.

۳-۲- ساختار لفظی حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی

از نظر ساختار دستوری و نحوه ارائه در شعر، حس آمیزی میتواند به شکل ترکیبی (وصفی و اضافی) و دیگر به شکل غیر ترکیبی به کار برود. (بررسی حس آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی، الهامی: ۳۶) در کاربرد حس آمیزی به صورت ترکیب اضافی، دو کلمه از متعلقات حواس با هم به صورت یک ترکیب اضافی که یک سوی آن مضاف و دیگری مضاف الیه است؛ نمودار میشود. به بیان دیگر در این نوع اضافه، مضاف از ویژگیهای یک حس و مضاف الیه از ویژگیهای حسی دیگر است. به علاوه حس آمیزی گاه به صورت ترکیب وصفی کاربرد دارد و در این صورت دو کلمه از متعلقات حواس به صورت یک ترکیب وصفی نمودار میشود.

نمودار ۶- حس آمیزی بر اساس ترکیبی یا غیر ترکیبی بودن در اشعار پروین

اعتصامی



الف- ترکیبی: ترکیبهای اضافی و وصفی

در این شکل، حس آمیزی به شکل ترکیب نمایان میشود و خود به دو قسم ترکیب وصفی و اضافی تعریف میگردد. ترکیب وصفی همانگونه که از نامش پیداست ترکیب صفت و موصوف

است که هر کدام از صفت و موصوف از وابستگان یکی از حواس هستند و در کنار هم یک واژه مرکب را می‌سازند. مانند: گفتار شیرین، کلام تلخ، روی ترش و ..
گاه این ترکیب بصورت ترکیبات وصفی مغلوب به کار می‌روند مانند شکر خند که اصل آن خنده شیرین بوده است.

اما در ترکیب اضافی، ترکیباتی است که بیشتر در حس آمیزی‌هایی که یک سوی آن مفهوم انتزاعی دارند به کار می‌رود. در این نوع اضافه، مضاف از ویژگی‌های یک حس و مضاف الیه از ویژگی‌های حس دیگر است. الهامی در مقاله خود با عنوان "بررسی حس‌آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی" نام «اضافه حسی» را برای این نوع ترکیب انتخاب نموده اند. (بررسی حس‌آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی، الهامی: ۳۶)

موارد حس‌آمیزی ترکیبی از نوع ترکیب اضافی در اشعار پروین اعتصامی (۲۲ مورد)
قصه‌های روزگار (۱۱)، روشنایی جان (۳۷)، رازهای زمانه (۴۴)، رنگ خودبینی (۶۲)، روشنی جان (۶۶)، ظلمات دل (۱۲۵)، حدیث زندگی (۱۳۱)، نور امید، سیاهی روزگار (۱۴۶)، سرد و گرم روزگار (۲۱۶)، حدیث مهر (۲۲۴)، فریاد شوق (۲۲۵)، حدیث هوی و هوس (۲۵۶)، ناله‌های غم (۲۹۱)، تلخی و شیرینی هستی (۳۰۱)، شعر غم (۳۳۱)، حدیث ظلم (۳۵۷)، حکایت آشوب (۳۷۹)، حدیث فتنه (۳۸۸)، حدیث نور (۴۰۶) تاریکی درون (۴۴۱)، تلخی ایام (۵۱۰)

موارد حس‌آمیزی ترکیبی از نوع ترکیب وصفی در اشعار پروین اعتصامی (۲۵ مورد)
تیره رای (۸)، روشن روان (۱۹)، پند تلخ (۲۶)، افسونگری روشن (۳۰)، روشن ضمیر (۴۰)، تیره دل (۴۷)، دل روشن (۵۱)، خام فریبی (۱۰۸)، خواب سنگین (۱۱۷)، سیه روزگار (۱۱۹)، سیه دل (۱۳۶)، یاهو سبز (۲۰۰)، تاریک رای (۲۶۴)، روشن دل (۲۶۶)، قصه تلخ (۲۶۷) تیره بخت (۳۰۲) تیره روان (۳۱۰)، تیره دلان (۳۲۵)، تیره سرانجام (۳۳۱)، حدیث روشن (۳۵۷)، روشن رای (۳۹۰)، حکایت روشن (۴۰۱)، سیه روزگار ظلم (۴۷۳)، سرشک گرم (۴۷۵) فکرت خام (۴۸۴)،

از مجموع ۴۷ مورد حس‌آمیزی ترکیبی، تنها ۶ مورد از نوع حسی به حسی و بقیه از نوع انتزاعی به حسی هستند.

ب- غیر ترکیبی: استفاده از فصل در ساختار جمله یا اسناد مجازی

این شکل، شاعر با استفاده از افعال مربوط به حواس در معنای مجازی برای حس دیگر، ترکیبی حس‌آمیز را ارائه می‌دهد که در واقع همان "استعاره تبعیه" یا "استعاره در فعل" را در ذهن تداعی می‌کند. بنابراین، نمونه‌هایی همچون نغمه دیدن، دیدن صدا، نوشیدن حرف، بو بردن از سخن و ... را میتوان برای این نوع ساخت ذکر کرد.
موارد حس‌آمیزی غیر ترکیبی در اشعار پروین اعتصامی:

نفس تو رنگی شد و سپید نگردد (۸۶)، به چشم از موفت نوری بیفروز (۱۱۱)، ز خود بینی سیه کردی دل بی غش (۱۱۲)، سیاه و سفید ندا و راق هستی (۱۱۶)، بدین تلخی ندیدیم زندگانی (۱۴۵)، گر نشوی پخته در این کارها (۱۶۴)، اندوهش از دیده و دل نور برد (۱۶۵)، همه اوراق دل من سیه است (۲۰۱)، فکرهای می پخت با سخنهای خام (۲۱۷)، وجود منزله به تیرگی پیوست (۲۲۳)، شیرین نشد چو زحمت مادر، وظیفه ای (۲۲۵)، تلخ است گرفتاری و صبر (۲۵۳)، ور سیاهی چون مه روشنی (۲۷۶)، سیر کنی وجدان، بشوی گرد سیاهی دل (۲۹۰)،

نتیجه گیری

نگارنده با بررسی حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی از منظر چگونگی تلفیق و بسامد حواس، نتایج زیر را به صورت فهرستی مختصر بیان مینماید:

- فراوانی بهره گیری از حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی ۶۳ مورد است.
- از مجموع ۶۳ مورد حس آمیزی در اشعار پروین اعتصامی، ۶ مورد حس آمیزی از نوع حسی به حسی و ۵۷ مورد حس آمیزی مربوط به انتزاعی به حسی است.
- بسامد استفاده از حس آمیزی از نوع انتزاعی به حسی در اشعار پروین اعتصامی، بیشتر از بسامد استفاده از حس آمیزی از نوع حسی به حسی است.
- از مجموع ۶ مورد حس آمیزی از نوع حسی به حسی، بسامد حواس بر اساس فراوانی در اشعار پروین اعتصامی، به ترتیب شنوایی با ۵ مورد، بینایی با ۴ مورد، چشایی با ۲ مورد و لامسه با ۱ مورد است.
- بررسی حس آمیزی از منظر حسی به حسی در اشعار پروین اعتصامی نشان میدهد در چگونگی تلفیق دو حس بینایی-شنوایی با بسامد بیشتری نسبت به سایر حواس و کمترین بسامد ترکیب حواس در بینایی-لامسه است.
- در قلمرو مفاهیم انتزاعی که با حواس پنج گانه ترکیب میشود، بینایی با ۳۵ مورد، شنوایی با ۱۱ مورد، چشایی با ۹ مورد، لامسه با ۲ مورد و بویایی با - مورد به ترتیب در اشعار پروین اعتصامی، بسامد و فراوانی بیشتری داشته است.
- حس آمیزی بر اساس ترکیبی یا غیر ترکیبی بودن بیانگر بسامد ترکیبی بودن (ترکیبی: ۴۲ مورد/ غیر ترکیبی: ۱۵ مورد) حس آمیزیه‌ها در اشعار پروین اعتصامی است.

حس آمیزی از آرایه‌هایی است که یکی از ابزار پروین اعتصامی برای رسیدن به هدف است. از این رو ترکیبات او پیچیدگی خاص ندارد و به سادگی و روانی قابل فهم هستند. با نگاهی به این شگرد بلاغی در شعر پروین درمیابیم که بیشتر تصاویر حس آمیز در دیوان او، تصاویری است که از ترکیب دو حس با یکدیگر ساخته شده اند و به اصطلاح دو بعدی

هستند و تصاویر سه بعدی که از در هم آمیختگی سه حس یا بیشتر ساخته میشوند در شعر او چشم نمیخورد. پروین اعتصامی به محسوس کردن مفاهیم انتزاعی، بیش از در آمیختن حواس توجه داشته است. بویایی در اشعار وی کمترین بسامد و بینایی بیشترین بسامد استفاده را در ساخت ترکیبات حس آمیز داشته است. گویی هدف شاعر از ساخت این ترکیبات، باز نمودن چشم انسانها به واقعیات زندگی و اوضاع سیاسی اجتماعی جامعه بوده است.

بیشتر ساختهای حس آمیز در شعر او به صورت واژه (اسم، فعل، صفت) است و بسامد موصوف و صفت در ساخت این نوع ترکیبات بیش از اسم و فعل است. ساخت غیر ترکیبی یا همان جمله و عبارت نیز در شعر او بسامد کمی دارد. حس آمیزی در شعر او مانند سایر شاعران معاصر بیشتر از نوع انتزاعی به حسی است تا بتواند مفاهیم انتزاعی همچون مرگ، زندگی، عشق و را نزد مخاطب ملموس نماید.

منابع

- آرایه‌ها و دانستنیهای سخن فارسی (۱۳۸۱) جلیلی، محمود، چاپ اول، مشهد: دانشوران توس
- آینده ای برای صداها (۱۳۷۹) شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران، نشر سخن.
- اسرار البلاغه (۱۹۵۴ م)، جرجانی، عبد القاهر، استانبول، وزارت معارف.
- بدیع در شعر فارسی (۱۳۸۰) عقدایی، تورج؛ چاپ اول، زنجان: نیکان کتاب
- بررسی حس آمیزی در اشعار حماسی و روایی اخوان ثالث (۱۳۹۵)، سعدزاده، مریم، فصلنامه بهارستان سخن، سال چهاردهم، ش ۲۸.
- بررسی حس آمیزی در اشعار نصرالله مردانی (۱۳۹۵)، راشکی، فاطمه، نشریه سابق دانشکده دانشگاه تبریز.
- بررسی حس آمیزی در شهر هفت شاعر معاصر نامدار (فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، اخوان ثالث، احمد شاملو، سیمین بهبهانی، شفیعی کدکنی). (۱۳۹۵)، سعدزاده، مریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه
- بررسی حس آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی (۱۳۸۷) الهامی، شراره، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، س ۴، ش ۱۲، صص ۳۱-۴۸
- بلاغت تصویر، (۱۳۸۵)، فتوحی رود معجنی، محمود، تهران، نشر سخن.
- حس آمیزی، ماهیت و سرشت (۱۳۸۹)، بهنام، مینا، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی.

- حواس پنجگانه و حس آمیزی در شعر (۱۳۸۷)، کریمی، پرستو، نشریه علمی و پژوهشی گوهر گویا، ش ۸
- دیوان شعر، (۱۳۶۴) اعتصامی، پروین، تهران، نشر علمی.
- روانشناسی رنگ در اشعار آینی (۱۳۸۵)، پناهی، مهین، فصلنامه پژوهشهای ادبی، شماره ۱۲-۱۳.
- روانشناسی رنگها، (۱۳۸۱)، لوشر، ماکس، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران، نشر درسا.
- سفر در مه (۱۳۸۱) پورنامداریان، تقی، چاپ اول، تهران: نگاه
- صور خیال در شعر فارسی (۱۳۶۶) شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران، نشر آگاه.
- فرهنگنامه ادبی فارسی-دانشنامه ادب فارسی (۱۳۷۶)، انوشه، حسن، ۲، چ ۱، سازمان چاپ و انتشارات.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی (۱۳۵۷) داد، سیما، تهران، مروارید.
- کلیات بیدل دهلوی (۱۳۸۱) بیدل دهلوی، عبدالقادر، تهران: سیمای دانش
- گزیده اشعار پروین اعتصامی (۱۳۷۸) جلالی، یدالله، چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید
- مثنوی معنوی (۱۳۷۸) مولانا، جلال الدین محمد، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، نشر نگاه.
- المصطلحات العربیه فی اللغه و الادب (۱۹۸۴) وهبه، مجدی، مکتبه البنان: کامل المهندس
- موسیقی شعر (۱۳۶۸) شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران، نشر آگاه.
- نگاهی تازه به بدیع (۱۳۶۸)، شمیسا، سیروس، تهران، میترا.
- نقد بدیع (۱۳۷۹) فشارکی، محمد؛ چاپ اول، تهران: سمت